

معرفی کتاب

مونix با دید ایرانی

خواندن سفرنامه همیشه جذاب و خواندنی است، هر چقدر هم از حال و هوای آن جایی که نویسنده سفرنامه می گوید خبر داشته باشید، باز هم خواندن آن سفرنامه جذاب می شود.

کتاب «مونix به افق تهران» نوشته مهدی حجوانی، شامل سفرنامه این نویسنده به آلمان، به تازگی توسط نشر افق منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب چهارمین «سفرنامه» از مجموعه «ادبیات امروز» است که این ناشر چاپ می کند.

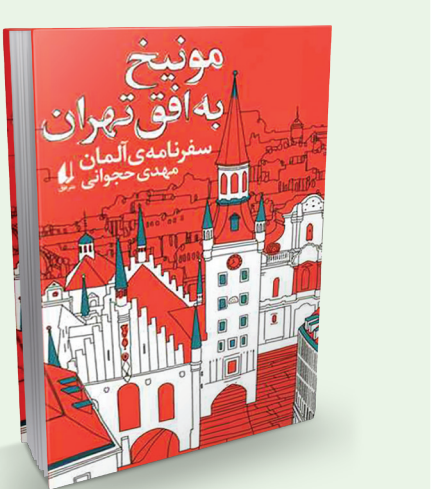
حجوانی علت نوشتن این کتاب را تأثیری عنوان می کند که ۶ سفر علمی و کاری به کشور آلمان داشته است؛ سه بار برای بازدید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت، یک بار برای بازدید از برادرش که بیش از ۳۵ سال است در آلمان اقامت دارد و دو بار هم استفاده از فرصت مطالعاتی که کتابخانه بین المللی نسل جوان مونix در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ به او اعطا کرده است.

او می گوید: «گرچه کوششیدام نگاهم به مردم و کشور آلمان نگاهی دقیق و منصفانه باشد، نوشته من قالب علمی و آماری ندارد، بلکه آن را به صورت خاطره و به خیال خودم با نثری صمیمی و نزدیک به نثر داستان نوشته‌ام. من به لحاظ عاطفی فردی نازک‌نارنجی هستم و هیچ‌وقت از شهر خودم تهران، به دلایلی مثل جنگ یا مهاجرت دور نشده‌ام، به همین دلیل غربت تأثیر بسیار زیادی روی من می گذارد. البته شاید نشود اسمش را گذاشت غربت. برنامه کوتاه مدتی بود که یک فرد متاهل بزگسال برای یکی، دو ماه به جایی رفت و هرگاه هم که مشکلی پیش می آمد، می توانست بلیت بگیرد و برگردد و هیچ پلی پشت سرش ویران نشده بود. اما با همه این اوصاف تنهایی در آنجا تأثیر زیادی روی من می گذاشت خصوصاً زمان غروب آفتاب. آنجا بود که می فهمیدم این که بعضی می گفتند «وطن من ادبیات است» یعنی چه. من احساس می کردم دوری من از شهر و عزیزانم، من را نیازمند می کند تا به وطنی ثانویه پناه ببرم؛ این وطن ثانویه که گاهی حتی تبدیل به وطن اول من می شود، «ادبیات» و برای من «نوشتن» است. کمتر چیزی به اندازه نوشتن به من آرامش می بخشد. غربت، حتی غربت موقت، برای من که در این موضوع نازک‌نارنجی هستم، عاملی شید برای اینکه به ادبیات پناه ببرم و جای وطن و عزیزانم را پر کند و من بنویسم. اما عامل دیگر، جای خالی مرحوم پدرم بود که رانندگی تریلی می کرد و به ترکیه و آلمان بار می برد؛ من در آلمان حس می کردم پدر در چنین خاکی (نه همین شهر) آمده و روزها و شب‌های سختی را برای آسایش ما گذرانده است. همچنین مسعود، برادرم که مقیم آنجاست دلیل دیگر پناه بردنم به ادبیات بود چون امکان اینکه دیگری را ببینم به دلیل فاصله زیاد فراهم نبود. این دو نفر هم را بسیار به یاد ایران می انداختند، به همین دلیل این کتاب تلفیقی است از خاطرات آلمان و ایران.»
خیابان‌ها و خانه‌ها، کتابخانه مونix و سبوایش، امکانات و موزه‌های این کتابخانه، جشن اکتبر، سیستم پیشرفته شهری، فوتبال و جام ملت‌های اروپا، دلتنگی برای ایران، طبیعت و شرایط اقلیمی آلمان و ... از جمله مواردی هستند که حجوانی در سفرنامه‌هایش درباره آلمان، به آنها پرداخته است. تأثیر ۶ سفر انجام شده به آلمان، باعث شده حجوانی دو سفرش را که در قالب فرصت مطالعاتی انجام شده، در قالب سفرنامه بنویسد. این کتاب دو فصل اصلی دارد که سفرهای سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ حجوانی در دربرمی گیرد. فصل اول کتاب، «سفر اول: ۲۰۰۵ تا موم دارد که ۲۲ بخش یا نوشته را در خود جاده‌ها است. فصل دوم، هم سفر دوم: ۲۰۰۸» است که ۲۶ بخش را شامل می شود.

در بخشی از ایـن کتاب آمده است: «امروزاه می اقمم به همان کوچه‌های اطراف خانه قبلی می‌روم و سری هم به خانه باربارا می‌زنم تا سوغاتی‌های خودم ورضی هیرمند ی را به او بدهم که در خانه نیست (رضی هم در دوره سه‌ماهه‌اش در خانه او میهمان بود). کوچه‌ها خاطره‌های دو سال و نیم پیش را در ذهن و دلم روشن می کنند و این حس در من بیدار می شود که همه چیز این زندگی یک چشم به هم زدن است. همه چیز سر سر جای خودش است و فقط من سه سال پیرتر شده‌ام. یعنی الان هم دوره‌ای‌های قبلی‌ام در چه حالی هستن؟ آندره برزیلی نوبت قبل با من توی خانه باربارا بود. توی شهر، انگار همه چیز دست نخورده مانده، همان نهر تمیز و بی صدا که به نر می از دل شهر می گذرد و مثل خود آلمانی‌ها آرام و محکم است، همان خیابان‌ها و کوچه‌ها، همان فروشگاه‌ها و ماشین‌ها، ولی این بار همه چیز در طبیعتی تابستانی. بار قبل رنگ زرد پاییز و سرما بیشتر بود و من بیشتر دلم می‌گرفت و غصه‌دار می‌شدم، اما این بار باربارا است و هوا گرم‌تر و من دلم خوش‌تر. با این همه با خودم فکر می‌کنم حتما روزی هم می‌آید که باز نهر زندگی به راه خودش می‌رود و همه چیز جهان سر جای خودش است، با این فرق که دیگر ما و من نیستیم. آنقدر این جوی خفته و آب آسیمه بگذرد که ما نباشیم و دیگران بگویند

روز است هنوز و روز رازدار هنوز است هنوز!

خب، این هم مبالغی بچه‌نه‌بازی درآورن بود که روزهای شنبه و یکشنبه توی ممالک غریب به زبان جای می‌شود. واقعا انگار روزهای تعطیل توی اروپا گرد مرده می‌باشند!»



رحمان ۱۴۰۰ با قطار برگشت!



سیدمهدی موسوی تبار

روزنامه‌نگار

سال هاست که یکی از مزیت‌های وسایل حمل‌ونقل عمومی نسبت به یکدیگر نمایش فیلم در آنهاست. اولین بار اتوبوس‌های وی‌آی‌پی اقدام به پخش فیلم کردند. فیلم‌هایی که بعداز گذشت چندسال‌ژانر «فیلم‌های اتوبوسی» را به وجود آوردند. این ژانر کنایه از فیلم‌های کم کیفیتی بود که فقط برای پرکردن زمان سفر مناسب بود و محتوای خاصی نداشت. با توجه به عدم نظارت در مسیر سفر، گهگاهی اخباری از پخش فیلم‌های غیرمجاز در برخی وسایل حمل‌ونقل عمومی به گوش می‌رسید. در دهه ۶۰ و ۷۰، حتی پخش آهنگ‌های غیرمجاز از اتوبوس‌ها هم مساله‌ساز می‌شد و راننده‌ها استناد به خصوصی بودن حریم اتوبوسش، به کسی پاس‌خگو نبود. حالا و علاوه بر اتوبوس‌ها در قطارها و هواپیماها هم فیلم پخش می‌شود و ظاهرا همه چیز قانونی است. اتوبوس‌های بین شهری نه‌تنه برای پخش فیلم‌های سینمایی هیچ حق پخشى پرداخت نمی‌کنند، بلکه حتی از نسخه‌های اصلی فیلم‌ها استفاده نکرده و با کمترین قیمت، کپی‌های غیرمجاز

فیلم‌ها را تهیه کرده و بدون هیچ مانعی در طول سفر برای مسافران خود پخش می‌کنند. یکی از جدیدترین این موارد پخش فیلم توقیفی «رحمان ۱۴۰۰» از یکی از قطارهای مسیر تهران-مشهد در هفته جاری بود. فیلمی که به دلیل محتوای نامناسب از سینماها پایین کشیده شد و بعد از مدتی نسخه قاچاق آن منتشر شد. حال‌دار یکی از قطارهای خصوصی این فیلم برای مردم پخش می‌شود. این اقدام از دو منظر مذموم است؛ نخست آنکه این فیلم مشکل اخلاقی و ساختاری دارد و توقیف شده است و چگونه بدون اصلاح موارد هنجارشکن در قطار و برای عموم مردم پخش شده است؟ دیگر آنکه «رحمان ۱۴۰۰» مجوزی برای پخش در شبکه نمایش خانگی نگرفته حقوق سازندگان این فیلم در پخش عمومی آن در قطار نادیده گرفته شده است.

اشتباه یا تخلف؟

پخش فیلم «رحمان ۱۴۰۰» اولین نمونه‌ا اتفاقات غیرقانونی در قطارها نیست. آذرماه سال ۸۸، قطار مسافربری قم-مشهد که در شب شهادت یکی از امامان تعدادی زیادی از روحانیون و اعضای بسیج را به مشهد مقدس می‌برده است، اقدام به پخش فیلم مبتذل و غیر اخلاقی از تلویزیون های قطار

گفت‌وگو با صادق سکری، سخنگوی شرکت راه‌آهن

صادق سکری، سخنگوی شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» ابتدا اصل مساله پخش غیرقانونی فیلم‌ها در قطار را رد می‌کند. اما پس از اینکه مدارک و لینک‌های مربوط به این اتفاقات را نشان می‌دهیم، می‌پذیرد که چنین بوده و تصریح می‌کند روال این است که وقتی فیلمی مجوز وزارت ارشاد نداشته باشد، در هیچ قطاری هم پخش نمی‌شود.

*** گزارش‌هایی از مخاطبان روزنامه ارسال شده که فیلم سینمایی رحمان ۱۴۰۰ همین دور روز پیش در قطار مشهد- تهران پخش شده است. این در حالی است که رحمان ۱۴۰۰ به‌صورت قاچاقی پخش شده و نکته دیگر اینکه چون سازندگان فیلم، قوانین ارشاد را رعایت نکردند، فیلم از اکران پایین کشیده شد.**

به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانند چنین فیلمی را پخش کنند.

مدارکش هست و حتما منتشر می‌شود ولی الان یک راهنمایی می‌خواستم که پخش فیلم در قطارهای دولتی و خصوصی براساس چه معیار و مجوزی است؟

اول اینکه دیگر اصلا قطار دولتی نداریم. ثانیاً هر فیلمی هم که پخش می‌کنند باید مجوز وزارت ارشاد داشته باشد.

ولی سه مورد داریم که طی همین چندسال گذشته پخش شده که نه تنها مجوز نداشتند، بلکه یکی از این سه فیلم آمریکایی و بدون سانسور بود که با اعتراض مسافران، جلوی پخش آن در قطار را گرفتند.

این مواردی که می‌گویید برای سال‌ها قبل است.

خارج از این مباحث، بارها تهیه‌کننده‌ها اعتراض کرده‌اند که قطارها و اتوبوس‌ها، فیلم‌هایشان را بدون اجازه پخش می‌کنند. در این مورد نظرات چیست؟

می‌کند. البته پخش این فیلم با واکنش سریع و تند مسافران قطار متوقف می‌شود، اما بعدها و پس از پیگیری‌های به‌عمل آمده مشخص شد چند تن از پرسنل این قطار که در آستانه اخراج بوده‌اند با این کار قصد انتقام‌گیری از شرکت قطارهای مسافری را داشته‌اند و در نتیجه اقدام به پخش این فیلم مستهجن کرده‌اند. نمونه دیگری از این اقدامات پخش مستند بی‌بی‌سی فارسی در یکی از قطارها بوده است. همراه سال گذشته نیز یکی از مخاطبان خبرگزاری فارس خراسان‌ضوی، عکسی از پخش مستندی بانشان بی‌بی‌سی فارسی در «قطار زندگی» شرکت رجا در مسیر مشهد-تهران که در فضای مجازی منتشر شده بود را برای پیگیری علت این موضوع ارسال کرده بود که مدیر راه‌آهن خراسان درخصوص این اتفاق در قطار رجا واکنش نشان داده بود. این مسئول البته در گفت‌وگو با فارس در مشهد، درخصوص مستند پخش شده از قطار رجا گفت: «در مرحله اول معمولاً مستند در قطارها پخش نمی‌شود، در مرحله دوم نیز فیلم‌های پخش شده در قطارها مجوزهای لازم را کسب کرده‌اند.»

مدیر روابط عمومی راه‌آهن خراسان با تأکید بر اینکه همواره مراحل امنیتی انتظامی مدنظر مسئولان ذی‌ربط در قطارهای مختلف بوده است، گفته بود: «ممکن است مستند مذکور



یک بار دیگر هم بگوییم اصل بر این است که قطارها، فقط فیلم‌هایی که مجوز ارشاد دارند پخش کنند.

یعنی شما پخش مستند بی‌بی‌سی در قطار را هم قبول ندارید؟ نه، اصلا این طور نبوده است.

چطور این را می‌گویید. خبرش پخش شد. این مربوط به یک سال پیش است و روابط عمومی قطار مشهد هم عذرخواهی کرده است.

۱۱ شرکت پخش خصوصی در راه‌آهن فعال هستند که هر کدام باید پاسخگوی عمل خودشان باشند.

مگر این شرکت‌ها زیر نظر راه‌آهن نیست؟

زیر نظر راه‌آهن است، ولی بخش خصوصی کار خودش را می‌کند. من نمی‌توانم بگویم که قطار مثلاً فلان روزنامه را بفروشد یا فلان فیلم را پخش کند یا نکند. ماضوابی داریم و به آنها گفتیم فیلمی را که مجوز ارشاد ندارد پخش نکنید. اگر قطارها غیر از این عمل کنند، تخلف است. هر مسافری هم گزارش دهد به‌صورت مصداقی برخورد می‌کنیم.

فارغ از صحبت‌های آقای سخنگوی راه‌آهن اما باید پرسید که چگونه می‌شود به‌صورت قانونی و البته با نظارت دقیق، از فرصت زیادی که مردم در سفرها در اختیارشان دارند استفاده کرد؟ این زمان نسبتاً طولانی در مسیرهای دور برای مطالعه کتاب، شنیدن موسیقی فخیم و دیدن فیلم‌های فاخر، جذاب و استاندارد مناسب است، اما اساساً برنامه‌ای برای مدیریت این اوقات وجود ندارد. قطارهای خصوصی تأکید اصلی‌شان بر تنوع غذایی است و ظاهر میهماندارها و انگار کسی برایش مهم نیست چه بر سر فرهنگ و هنر می‌آید. این قطاری که می‌بینیم انگار قرار است فرهنگ و قانون را به ته دره بفرستد و خودش مشغول شمردن تعداد بلیت‌های فروخته شده است.

تاخیر در انتشار آلبوم جدید محسن چاوشی



مسئولان انتشار آلبوم جدید محسن چاوشی با عنوان «بی‌نام» با انتشار پیامی از لغو انتشار آلبوم و موکل شدن آن به زمانی دیگر خبر داده و نوشتند: «تیم تهیه و تولید

آلبوم «بی‌نام» با احترام به مخاطبان فهیم آثار محسن چاوشی و مردم عزیز ایران با توجه به مسائل پیش آمده طی روزهای اخیر، تصمیم گرفت انتشار آلبوم را به زمان و احوال بهتری موکل کند. نیازی به تکرار و یادآوری نیست که محسن چاوشی برای طرفداران و مخاطبان خود همیشه عشق و احترام فراوان قائل بوده و به احترام و خواست شما قطعه «چر تفکر» به آلبوم اضافه شده است. «آلبوم «بی‌نام» محسن چاوشی دهمین آلبوم رسمی این خواننده پاپ پرتعداد خواهد بود. طرفداران چاوشی منتظرند تا این آلبوم منتشر شود؛ آلبومی که نامش از «قمار باز» به «بی‌نام» تغییر کرد. سال قبل آلبوم «ابراهیم» محسن چاوشی با استقبال مخاطبان او همراه شد. این آلبوم با همراهی طرفداران چاوشی با داندوید غیرقانونی کمتری به نسبت دیگر آلبوم‌ها روبه‌رو شد. آلبوم «بی‌نام» با اشعاری از مولانا و سعدی تهیه و تولید شده و در این بین از اشعار برخی شاعران دیگر نیز به‌صورت ترکیبی و در تجربه‌ای نو استفاده شده است. محسن چاوشی موسیقی این آلبوم را به‌صورت کامل برعهده داشته و محمد جاسمی نیز به‌عنوان همخوان و خواننده میهمان در این اثر حضور دارد. قطعه جنجالی «قمار باز» با همین نام در لیست قطعات آلبوم قرار دارد.

سریال جدید «آن شرلی» در سه فصل به پایان می‌رسد



بازسازی سریال مشهور «آن از گرین گیبل» که به سفارش نتفلیکس انجام شده، در سه فصل به کار خود پایان می‌دهد. در حالی که تاریخ شروع اکران فصل سوم این

سریال روز دوشنبه اعلام شد، نتفلیکس همزمان اعلام کرد این فصل آخرین فصل این سریال خواهد بود. فصل سوم این سریال قرار است از سوم ژانویه ۲۰۲۰ در ۱۰ اپیزود در دسترس علاقه‌مندان قرار بگیرد. این سریال در شبکه سی‌بی‌سی کانادا روی آنتن می‌رود. بازسازی سریال آن از گرین گیبل با عنوان «آن با یک ای» (Anne with a E) با اقتباس از رمان لوسی ماد مونتگومری که سال ۱۹۰۸ منتشر و به اثری کلاسیک بدل شد، ساخته شده است. اولین فصل این سریال از ۱۲ ماه می ۲۰۱۷ روی آنتن رفته بود. در این سریال نقش آن شرلی توسط امی بت مک‌نالتی بازی شده است. «آن با یک ای» یکی از چندین اقتباس تلویزیونی است که از این سریال در طول چند دهه انجام شده است. یک سریال انیمیشن هم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ در PBS روی آنتن رفت. در این رمان که داستانش در جزیره پرنس ادوارد کانادا می‌گذرد، در حالی که یک خواهر و برادر سالخورده می‌خوانند پسر بچه‌ای را به فرزندخواندگی بپذیرند، با یک دختر بچه موقرمز که نزدشان فرستاده می‌شود، روبه‌رو می‌شوند. در نهایت این آن شرلی ۱۳ ساله است که در طول زمان هم زندگی سرپرست‌های خود و هم دیگر مردم جزیره را تغییر می‌دهد.